



## فهرست مطالب

۱۱	.....	مقدمه مترجم
۱۷	.....	دیباچه

### بخش اول: کالاها، رونق‌ها و دولت‌ها

۲۵	.....	فصل اول: افسانه‌ امروزی شاه میداس
۲۷	.....	بیماری هلندی: عدم کفایت تبیین‌های اقتصادی
۳۰	.....	فراتر از ساختار-عاملیت: بررسی ساختاربندی انتخاب
۳۷	.....	کالاها و دولت‌ها: رویکرد بخشی در تبیین مسیرهای توسعه
۴۰	.....	مورد کشورهای صادرکننده نفت
۴۳	.....	واحد تحلیل: دولت‌های نفتی
۴۷	.....	طرح تحقیق برای مقایسه‌های بین‌منطقه‌ای
۵۴	.....	فصل دوم: از طلای اسپانیایی به طلای سیاه
۵۶	.....	مروری کلی بر «اثر رونق»
۶۶	.....	گردشی علمی در اسپانیای قرن شانزدهم
۷۶	.....	رویکرد مسئله: درس‌های اسپانیا برای کشورهای صادرکننده نفت
۸۲	.....	فصل سوم: معضل ویژه دولت نفتی
۸۵	.....	ویژگی‌های دولت‌های استخراجی

جدول ۱۱. مقایسه صادرات نفت با مخارج جاری شامل بهره بدهی‌ها ۱۹۸۹-۱۹۷۰.....	۲۶۰
جدول ۱۲. ساختار مالیات‌ستانی در ونزوئلا، کشورهای درحال توسعه و نیمکره غربی.....	۲۶۵
جدول ۱۳. آرای تجمعی دو حزب اصلی برای ریاست‌جمهوری و قوه مقننه ۸۸-۱۹۵۸.....	۲۷۰
جدول ۱۴. نوسانات در عملکرد کلان اقتصادی.....	۲۹۳
جدول ۱۵. بی‌ثباتی سیاسی دولت نفتی، ۹۲-۱۹۷۴.....	۲۹۴
جدول ۱۶. ثروت اتفاقی و بی‌ثباتی سیاسی.....	۲۹۵
جدول ۱۷. اثر رونق و بی‌ثباتی سیاسی.....	۲۹۷
جدول ۱۸. صادرات سوخت/ منابع معدنی به صورت درصدی از صادرات کالایی.....	۳۰۰
جدول ۱۹. سهم انواع مالیات‌ها در کل درآمد دولت مرکزی به درصد ۱۹۸۵-۱۹۷۲.....	۳۰۱
جدول ۲۰. ساختار مالیات‌ستانی از منظر تطبیقی، صادرکنندگان منتخب نفت.....	۳۰۴

### فهرست نمودارها

نمودار ۱. مخارج دولت و صادرات نفت، ۹۳-۱۹۷۰، از صندوق بین‌المللی پول (۱۹۹۵).....	۲۶۲
نمودار ۲. مصرف عمومی: نروژ، سوئد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۸۳-۱۹۷۲.....	۳۲۱
نمودار ۳. قیمت نفت، ۹۴-۱۹۳۰. ارقام ۶۸-۱۹۳۰ از بابتیستا (۱۹۹۱).....	۳۴۳

جدول الف.۸. نرخ رشد قیمت‌های مصرف‌کننده.....	۳۷۴
جدول الف.۹. کل بدهی خارجی.....	۳۷۵
جدول الف.۱۰. کل بهره بدهی خارجی.....	۳۷۷
جدول الف.۱۱. نسبت بهره بدهی به صادرات.....	۳۷۹
جدول الف.۱۲. ساختار تولید ناخالص داخلی، ۹۳-۱۹۶۵.....	۳۸۱
جدول الف.۱۳. ارزش صادرات نفت خام و نرخ رشد واقعی صادرات نفت.....	۳۸۳
جدول الف.۱۴. نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی.....	۳۸۵
جدول الف.۱۵. تولید ناخالص ملی.....	۳۸۷
جدول الف.۱۶. صادرات کالاها و خدمات.....	۳۸۹
مآخذ ضمیمه آماری.....	۳۹۱
کتاب‌شناسی.....	۳۹۳
نمایه.....	۴۲۵

### فهرست جدول‌ها

جدول ۱. کشورهای صادرکننده نفت دارای سرمایه ناکافی و سرمایه مازاد (۱۹۷۳).....	۴۴
جدول ۲. افزایش بدهی، افزایش بهره بدهی و نسبت بهره بدهی به صادرات بر حسب گروه اقتصادی کشورهای کم‌تر توسعه یافته، ۷۹-۱۹۷۰.....	۶۲
جدول ۳. مقایسه نرخ مالیات کشورهای نفتی و غیرنفتی.....	۱۰۶
جدول ۴. درآمدهای معمولی در بودجه، سال‌های مالی ۳۰-۱۹۲۹ تا ۴۵-۱۹۴۴.....	۱۳۹
جدول ۵. درآمدهای مالیاتی کلمبیا و ونزوئلا به صورت درصدی از تولید ناخالص ملی و درصد تمام درآمدهای مالیاتی.....	۱۴۲
جدول ۶. درآمدهای بودجه دولت‌های ونزوئلا ۱۹۱۷-۱۹۷۸.....	۱۸۵
جدول ۷. تغییرات در اندازه و ابعاد اقتصاد، ۷۵-۱۹۷۲.....	۱۸۹
جدول ۸. مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی در تولید ناخالص داخلی ۷۸-۱۹۷۰.....	۲۲۲
جدول ۹. مخارج دولت مرکزی، سرمایه‌گذاری و بدهی عمومی، ۱۹۹۲-۱۹۷۰.....	۲۵۷
جدول ۱۰. بهره‌برداری از اعتبارات اضافی در بودجه، ۸۹-۱۹۷۰.....	۲۵۸

طبیعی که به معمای فراوانی یا بلای منابع معروف شده را مکشوف کند. کارل، با شیوایی، اتکای بودجه دولت به دلارهای نفتی را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تمرکز ثروت در دست دولت باعث تقویت فعالیت‌های رانت‌جویی (که در ایران به ویژه خواری معروف شده است) در اطراف دولت و منازعات شدید گروه‌های دارای منافع خاص می‌شود.

ایران کشوری پهناور با جمعیتی بالنسبه زیاد و نرخ بالای بیکاری است. سرمایه‌گذاری تحقق‌یافته در فعالیت‌های زیربنایی طی چند دهه گذشته، قدرت جذب درآمد نفتی در اقتصاد را بالا برده است. اما فشار بیکاران و گروه‌های تهی‌دست شهری و روستایی و نیز شتاب‌ورزیدن سیاست‌مداران برای کسب محبوبیت آنی فرصتی برای تأمل و برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی در تخصیص منابع باقی نمی‌گذارد. سیاست‌مداران با اجرای سیاست‌های پوپولیستی و ضد و نقیض و توزیع بی‌حساب و کتاب یارانه‌ها و درآمدهای نفتی سعی در راضی نگه‌داشتن مردم عادی دارند. در این میان آنچه قربانی می‌شود سیاست‌های اقتصادی درست و سنجیده است. با فروکش کردن درآمد نفتی، نظام اداری باقی می‌ماند که از تدبیر و مدیریت صحیح اقتصادی در آن خبری نیست. خزانه‌های خالی بدون تنوع درآمدها از یک سو، و انبوه تعهداتی که دولت بر دوش خود گذاشته است مثل وابسته کردن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به یارانه‌ها و کالاها و خدمات ارزان قیمت دولتی، و نظام اداری با تورم کارکنان اداری از سوی دیگر.

مطالعه این کتاب چه فایده‌ای دارد؟ وقایع دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی چه درس‌هایی برای امروز ما دارد؟ مطالعه این کتاب در مقطع کنونی از آن جهت اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد که تجربه دو رونق نفتی پیشین می‌تواند درس‌های آموزنده‌ای به مجموعه نظام تصمیم‌گیری کشورهایی از قبیل ایران بدهد که مجدداً با یک رونق عظیم نفتی مواجه شده‌اند. مطالعه این کتاب که متکی به اسناد دقیق و نوآوری‌های تئوریک است برای علاقمندان به مباحث اقتصاد سیاسی نیز توصیه می‌شود.

## دیباچه

در اوج رونق نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی، خوان پابلو پرس آلفونسو، بنیان‌گذار سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در خانه خویش در شهر کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، به من گفت: «اوپک را بررسی نکن. موضوع ملال‌آوری است. به جای آن بررسی کن نفت با ونزوئلا چه می‌کند، نفت با ما چه می‌کند.» دقیقاً در همان لحظه‌ای که خزانه دولت‌های اوپک انباشته از پول شده بود و مصرف‌کنندگان بنزین در ایالات متحده و اروپا در صف‌های طولانی انتظار می‌کشیدند، مردی که با ایده خود نظام بین‌المللی را تغییر شکل داده بود در فکر تأثیر شگفت‌آورترین افزایش قیمت در طول تاریخ فرورفته بود. او که چندین بار مکث کرد تا خودرو مرسدس مدل دهه ۱۹۳۰ خود را تحسین کند یکی از نخستین طرفداران محیط‌زیست در جهان بود که خیلی پیش‌تر معتقد بود منابع پایان‌پذیر باید ارزش بازاری فوق‌العاده بالایی داشته باشند (و خودروها را باید چنان ساخت که برای همیشه دوام آورند!). در لحظه وداع، کلمات واقعاً پیش‌گویانه‌ای بر زبان آورد: «ده سال بعد، بیست سال بعد، خواهید دید که نفت ویرانی و بیچارگی برای ما به ارمغان می‌آورد.»

این واژه‌ها سرچشمه نگارش کتاب حاضر شدند، کتابی که سعی می‌کند این معما را توضیح دهد: چرا اکثر کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت، پس از سودبردن از بزرگ‌ترین انتقال ثروت، که تاکنون بدون جنگ رخ داده است، گرفتار زوال اقتصادی و تباهی سیاسی شدند؟ در خلال دو رونق عظیم که ظاهراً فرصت برای «سیاست بی‌حد و

## فصل اول

### افسانه‌امروزی شاه میداس

ساختار، انتخاب و خط‌سیر توسعه‌ای دولت‌ها

سال ۱۹۷۳ بود. در خاورمیانه دوران «تمدن بزرگ» و در امریکای لاتین آغاز دوره «ونزوئلای بزرگ» بود. آن سال اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) موفق شدند بزرگ‌ترین انتقال ثروت را که تا آن زمان بدون جنگ اتفاق افتاده بود عملی سازند. سرانجام، این کشورها که هر کدام موردکاو‌های مجازی سلطه‌خارجیان در گذشته بودند با به دست گرفتن قابلیت نهادی برای تعیین قیمت نفت و ملی کردن تولید داخلی نفت ظاهراً کنترل منبع طبیعی اولیه خود را در دست گرفتند. قیمت نفت یک‌شبه سر به فلک کشید و از ۳ دلار به ۱۰ دلار در هر بشکه و عاقبت به اوج ۴۰ دلار در بازار نقدی پس از دومین رونق نفتی در ۱۹۸۰ رسید. فقط در دوره کوتاه سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ درآمد کشورهای اوپک یازده برابر شد. پول‌ها به میزان بی‌سابقه‌ای به خزانه‌های ملی سرازیر می‌شد. هکتور هورتادو، وزیر مالیه وقت جمهوری ونزوئلا، آن روزها را چنین به یاد می‌آورد: «پولی زیادتر از آن‌چه که حتی در خواب هم نمی‌توانستیم تصور کنیم.»<sup>(۱)</sup>

سیل دلارهای نفتی به آرزوهای جدید پر و بال می‌داد، آرزوی شکوفایی اقتصادی، عظمت ملی، برابری، و استقلال خلاصه بگویم، آرزوی آینده‌ای کاملاً متفاوت از گذشته وابسته به نفت. رهبران کشورهای نفتی معتقد بودند سرانجام خواهند توانست «نفت را ثمرده سازند» یعنی سرمایه‌انباشته‌شده از نفت را به



سمت سایر فعالیت‌های تولیدی هدایت کنند. درآمدهای جدید نفتی منابع لازم را فراهم می‌ساخت تا فاصله خود با دنیای توسعه‌یافته را از بین ببرند و درعین حال برای مردم کشورهایشان ثبات سیاسی و زندگی بهتری به ارمغان آورند. آن‌طور که کارلوس آندره پرس، رئیس‌جمهور ونزوئلا، توضیح می‌داد (مصاحبه در مارس ۱۹۷۹ در کاراکاس): «روزی خواهد رسید که شما امریکایی‌ها با خودروهایی رانندگی می‌کنید که سپرهایش از بوکسیت، آلومینیوم و نیروی کار ما ساخته شده است. ما مثل شما کشوری توسعه‌یافته خواهیم شد.»

اما کم‌تر از یک دهه بعد، حتی قبل از این که قیمت نفت در ۱۹۸۳ شیرجه‌زنان سقوط کند، این رویاها برعکس تعبیر شد. کشورهای صادرکننده منابع طبیعی گرفتار تنگناها و اختلالات تولید، فرار سرمایه، ناکارایی شدید شرکت‌های دولتی، تورم دو رقمی و پول ملی زیاده‌ازحد ارزش‌گذاری شده شدند. حتی دوبرابر شدن مجدد قیمت نفت در سال ۱۹۸۰ نتوانست آن‌ها را از رکود تولید بیرون آورد. کاهش شدید قیمت نفت در سراسر دهه ۱۹۸۰، مشکلات به‌وجودآمده را وخیم‌تر ساخت و انتظار رونق و رفاه بی‌نظیر را به چیزی شبیه خاطره‌ای ناراحت‌کننده تبدیل کرد. اکثر ملت‌های دارای ذخایر نفتی تحت رهبری دولت‌هایی که فاقد توانایی مدیریت یا برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی بودند، متوجه شدند عملکرد اقتصادی و وابستگی به نفت و بدهی بدتر از سال‌های پیش از گنج سرشار نفتی شده است. در دهه ۱۹۹۰ حتی با ملی‌زدایی صنایع نفتی مواجه شدند و فعالانه به دنبال روش‌های جدید مشارکت با شرکت‌های نفتی خارجی بودند، که زمانی همان‌ها را از کشورشان بیرون رانده بودند.

این پیشینه ناموفق اقتصادی با آشوب‌های سیاسی تکمیل شد. در نخستین و شگرف‌ترین مورد، شاه ایران در سال ۱۹۷۹ در جریان انقلابی اسلامی سرنگون شد که از صنعتی‌شدن سریع و خصلت غرب‌زدگی «تمدن بزرگ» شاه عمیقاً انتقاد می‌کرد. نیجریه بین حکومت نظامیان و غیرنظامیان دست‌به‌دست می‌شد بدون این که بتواند هیچ‌یک را تثبیت کند. سلطه حکومت تک‌حزبی در مکزیک از بین رفت. در دهه ۱۹۹۰، کشور سابقاً باثبات الجزایر در آستانه جنگ داخلی

قرار گرفت، درحالی که ونزوئلا، دومین دموکراسی باسابقه در امریکای لاتین، با ناامیدی تلاش می‌کرد تا نظام حزبی رقابتی را حفظ کند. به‌راستی در کم‌تر از دو دهه پس از افزایش قیمت نفت، همه کشورهای درحال توسعه صادرکننده نفت به استثنای اندونزی و کشورهای کوچک کم‌جمعیت عربی، از هم‌گسیختگی جدی در نظام اداری دولتی و آشوب و ناآرامی شدید در رژیم‌های سیاسی خود را تجربه کردند. دقیقاً همان‌طور که طلا زندگی شاه میداس را آلوده و فاسد کرد، نفت نیز اقتصاد و سیاست این کشورها را «نفتی» کرد. خوان پابلو پرس آلفونسو، بنیان‌گذار اوپک، در ۱۹۷۶ چنین تعبیر کرد: «نفت مدفوع شیطان است. ما در مدفوع شیطان غرق می‌شویم.» (۲)

چه اتفاقی افتاد؟ آیا طلای سیاه، آن‌گونه که همه معتقد شده‌اند، یک «کالای» توسعه‌ای تمام و کمال است یا واقعاً «مدفوع شیطان»؟ چرا صادرکنندگان نفت از قرار معلوم نتوانسته‌اند ثروت بادآورده افسانه‌ای را در مسیرهای توسعه پایدار، عادلانه و باثبات قرار دهند؟ آیا دستاوردهای نومیدکننده نتیجه خطاهای تصادفی اما مشابه در تصمیم‌گیری‌های هر کشور بوده، یا می‌توان به جبرگرایی ساختاری فراگیری نسبت‌شان داد که به نفت اتصال یافته است و به ناگزیر زوال اقتصادی و تباهی سیاسی به‌وجود می‌آورد؟ خلاصه کلام این که تأثیر رونق نفتی بر کشورهای صادرکننده نفت چیست؟

### بیماری هلندی: عدم کفایت تبیین‌های اقتصادی

چیزی نمانده بود که اقتصاددانان پاسخ این پرسش‌ها را پیدا کنند. آن‌ها که از بررسی‌های ستایش‌آمیز گاه‌وبی‌گاه «توسعه مبتنی بر گنج سرشار» (۳) کر و کور نشده بودند دلیل آوردند که بیماری هلندی، یعنی فرایندی که به موجب آن کشفیات جدید یا افزایش قیمت در یک بخش اقتصاد مثلاً نفت باعث فشار بر سایر بخش‌ها مثلاً کشاورزی یا صنایع کارخانه‌ای می‌شود، تبیین قدرت‌مندی برای عملکرد ضعیف صادرکنندگان نفت ارائه می‌دهد. (۴) ماندگاری بیماری هلندی باعث رشد سریع و حتی بدقواره خدمات، حمل‌ونقل و سایر کالاهای